



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون  
موضوع جزئی: ۳. اجماع منقول - مقتضای تحقیق در حجیت اجماع مدرکی - بر مبنای  
کشف از دلیل معتبر - بر مبنای ملازمه عادی - بر مبنای تراکم ظنون - بر مبنای اجماع  
تلقی - بر مبنای اجماع تقریری  
سال پانزدهم  
تاریخ: ۹ خرداد ۱۴۰۳  
مصادف با: ۲۰ ذی القعدة ۱۴۴۵  
جلسه: ۱۱۶

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

بحث در حجیت اجماع مدرکی بود. عرض کردیم مقتضای تحقیق این است که ما حجیت اجماع مدرکی را بنا بر مبنای مختلف در باب اجماع از حیث چگونگی کشف رأی معصوم بررسی کنیم. در جلسه گذشته حجیت اجماع مدرکی بنا بر سه مبنا بررسی شد. طبق مبنای اجماع دخولی یا تضمنی و مبنای اجماع تشریفی و مبنای اجماع لطفی معلوم شد اجماع مدرکی حجت است. یعنی وجود و عدم مدرک معلوم برای مجمعی تأثیری در حجیت اجماع ندارد.

#### ادامه بحث در مقتضای تحقیق در حجیت اجماع مدرکی

چند مبنای دیگر باقی مانده که باید حجیت اجماع مدرکی را بر اساس آن مبنای بررسی کنیم. مبنای دیگری که در این بحث باید مورد بررسی قرار بگیرند همه در یک جهت مشترکند و آن هم اینکه در همه آنها به نوعی حدس زده می شود رأی و موافقت معصوم، لذا همه اینها را تحت عنوان اجماع حدسی می توانیم ذکر کنیم. قبلاً هم گفتیم که حتی اجماع لطفی نیز به عنوان اجماع حدسی شناخته می شود منتهی تارتا کشف رأی معصوم بالملازمة العقلیه است و اخری بالملازمة العادیه و ثالثه بالملازمة الاتفاقیه، حال اینکه این تعابیر دقیق است یا خیر یک بحث دیگری است. به هر حال چند مبنای دیگر در باب اجماع وجود دارد که ما باید بینیم بر اساس آن مبنای اجماع مدرکی حجت است یا خیر؟

#### ۴. بر مبنای کشف از دلیل معتبر

یکی از مبنای این است که از اتفاق مجمعی به نحو قطعی کشف کنیم وجود یک دلیل معتبر را. یعنی وقتی می بینیم اجماع کنندگان همه یک حکم را بیان می کنند، این کشف از وجود یک دلیل معتبر نزد آنها می کند که در دسترس آنها بوده و به دست ما نرسیده است.

ما اشکالاتی به این مبنا داشتیم که بماند. عمده این است که اگر چنین مبنایی را بخواهیم با فرض اجماع مدرکی تطبیق دهیم باید اینطور بگوییم که فقها بر حکمی اتفاق پیدا کردند و مدرک و مستند فتوای آنها هم معلوم است، اما ما یقین پیدا می کنیم که آنها به یک دلیل دیگری استناد کردند که از دید ما مخفی مانده است. چون فرض این است که هم اجماع کاشف از وجود یک دلیل معتبر

است که بر ما مخفی مانده و هم مدارک و مستندات معلومی برای مجمعی وجود دارد. چون معنای اجماع مدرکی این است. حال آیا اجماع مدرکی بر اساس این مبنا می تواند حجت باشد؟

به نظر می رسد در این فرض ما نمی توانیم قائل به حجیت اجماع مدرکی شویم؛ زیرا اگر این مدارک و مستندات به صورت قطعی یا احتمالی مورد توجه مجمعی واقع شده، دیگر این اجماع نمی تواند کاشف از وجود یک دلیل معتبر دیگری باشد که در دسترس آنها بوده و بر ما مخفی مانده. فرض این است که این مستندات و مدارک معلوم است، مستند فتاوی مجمعی مشخص است یا حداقل احتمالش داده می شود، آن وقت ما باز بگوییم اینها هیچکدام مستند مجمعی نبوده بلکه یک دلیل معتبر دیگری در کار بوده ولی به دست ما نرسیده است. این مشکل است که از یک طرف بگوییم مستند فتاوی مجمعی معلوم است و از طرف دیگر بگوییم این بر اساس دلیل معتبر دیگری بوده که در دسترس ما نیست. اصلا این با این وضع نمی تواند کشف از یک دلیل معتبر دیگر کند پس اساسا باید بگوییم اگر اجماع مدرکی باشد اصلا جایی برای تحقق چنین اجماعی نیست.

**سوال:**

**استاد:** فرض این است که همه اینها اتفاق نظر دارند و مستندانشان نیز معلوم است. منتهی اینجا کاشف از وجود یک دلیل معتبر است.

#### **۵. بر مبنای ملازمه عادی**

مبنای دیگر این است که ما از اتفاق فقها بالملازمه العادیه کشف موافقت معصوم کنیم؛ یعنی وقتی می بینیم مرئوسین همه با هم یک نظر را می گویند این حاکی از آن است که نظر رئیس هم با اینها یکی است. یعنی اتفاق علما موجب حدس قطعی به رأی موافق معصوم می شود بالملازمه العادیه. حال ببینیم آیا بر اساس این مبنا اجماع مدرکی حجت است یا خیر؟

اجماع مدرکی معنایش این است که مستندات و مدارک مجمعی برای ما معلوم است. یعنی می دانیم مجمعی بر اساس این مدارک و مستندات این فتوا را داده اند، اما آیا با چنین فرضی می توانیم بگوییم اتفاق این جماعت کشف از موافقت رئیس با نظر آنها می کند؟ آیا این اتفاق دلالت بر این می کند که اینها همه نظرشان را از رئیس خود اخذ کرده اند؟ این مشکل است؛ زیرا مفروض ما این است که این فتاوا و نظر یکسان همه علما مستند به همین ادله معلوم است، پس اینها در واقع نظرشان را از این ادله اخذ کردند نه رئیس. بر اساس این مبنا وقتی مرئوسین همه یک نظر را دارند قطع پیدا می کنیم که اینها همه این نظر را از رئیس خود گرفته اند، در حالیکه اگر اجماع مدرکی باشد معنایش این است که اینها نظرشان را از رئیس خود نگرفته اند بلکه از آن ادله گرفته اند، از دستوراتی که با واسطه نقل شده است. حال اگر این ادله معتبر نباشند که جایی برای کشف رضایت معصوم نیست، اگر هم معتبر باشند نهایتش این است که نظر آنها مستند به این ادله است نه اینکه این نظر را از معصوم و رئیس اخذ کرده باشند. پس بر طبق این مبنا نیز اجماع مدرکی حجت نیست.

#### **۶. بر مبنای تراکم ظنون**

با توجه به توضیحاتی که دادیم اگر نظر مجمعی مستند به مدارک و مستندات معلوم باشد این موجب کشف رضایت معصوم نیست. اشکال این مسلک را قبلا هم ذکر کردیم. اصلا خود این مسلک اشکال دارد. اگر مدرکی هم باشد که اشکالش بیشتر می شود.

چون این ظنون متعلق شده به این مستندات و اگر متراکم بشود فووقش این مستندات را برای ما تقویت می کند. اما اینکه ظن به موافقت معصوم و رأی معصوم ایجاد شود و بعد متراکم شود تا اطمینان به موافقت معصوم حاصل شود از این به دست نمی آید. پس ملاحظه کردید که طبق این سه مبنا اجماع مدرکی حجت نیست.

#### ۷. بر مبنای اجماع تلقی

اما طبق مبنای محقق بروجردی که قائل شدند به اینکه ما نسبت به اصول متلقات می توانیم کشف کنیم موافقت معصوم را یعنی اگر اجماع در مسائل اصلی که از ائمه تلقی شده صورت بگیرد، این کاشف از رأی معصوم است ولی در مسائل تفریعی که بر پایه استنباط فقها شکل گرفته و آنچه که بر اساس حکم عقل به دست آمده اجماع محقق شود کاشف از رأی معصوم نیست. ایشان در قسم اول گفتند که ما حدس قطعی می زنیم رأی معصوم را ولی در دو قسم دیگر فرمودند که نمی توانیم رأی معصوم را کشف کنیم. این مبنا البته بر یک شرط مهم استوار است و آن هم این است که این اتفاق نظر و اجماع به زمان معصوم اتصال داشته باشد. یعنی اگر اجماع در اصول متلقات متصل به زمان اصحاب ائمه باشد می تواند کاشف از رأی معصوم باشد ولی اگر متصل نباشد ما نمی توانیم موافقت معصوم را کشف کنیم.

حال بر این مبنا اگر بخواهیم اجماع مدرکی را تصویر کنیم به این صورت است که علما در فتوای خود به دلیلی یا ادله ای استناد کرده اند و این برای ما معلوم است، مدارک مجمعی برای ما معلوم است. خود این معلومیت مدرک مجمعی و استناد آنها به این مدارک، نشان دهنده آن است که این علما فتوای خود را از آن طبقه قبل اخذ نکردند. زیرا در اجماع تلقی باید معلوم شود که اینها فتوای خود را از طبقه قبل گرفتند، طبقه قبل هم از طبقه قبل تا برسد به اصحاب ائمه. اما آیا اگر اجماع مدرکی باشد این مسئله محقق می شود؟ وقتی مجمعی مستندشان ادله و مدارک معلوم باشد، معنایش این است که فتوای اینها از طبقه قبلی اخذ نشده است بر این اساس باید بگوییم اجماع مدرکی طبق مبنای محقق بروجردی نیز محقق نیست.

البته یک نکته را باید اینجا توجه کرد و آن اینکه: چه بسا مجمعی فتوا را از طبقه قبلی اخذ کرده اند اما در کنار آن به این ادله نیز استناد کردند. به عبارت دیگر اینها مانعةالجمع نیست، ممکن است مجمعی به یک آیه و روایتی استناد کردند و در عین حال این فتوا را از قبلی ها اخذ کرده باشند که متصل به زمان معصوم است. اگر اینچنین باشد می توانیم بگوییم اجماع مدرکی نیز حجت است، منتهی این باید برای ما ثابت شود که علاوه بر این مدارک و مستندات آن تلقی صورت گرفته است. فرض این است که اصول متلقات همه از معصوم تلقی شده است. لذا اگر ما اصلاً گفتیم اصول متلقات یعنی مسائلی که این طبقه فقها از طبقه قبلی گرفتند تا رسیده است به اصحاب معصومین. اگر این را بگوییم آن وقت اجماع مدرکی می تواند حجت باشد. چون بین اصول متلقات و معلوم بودن مدارک هیچ منافاتی نیست یعنی با اینکه این از اصول متلقات است اما ادله دیگری نیز برای آنها ذکر شده است.

پس اجماع مدرکی یعنی اینکه مستند مجمعی برای ما معلوم است و آنان برای این فتوا استناد به این مدارک دادند، اگر این باشد آیا مشکلی دارد؟ می توانیم بگوییم مجمعی به این ادله استناد داده اند ولی این معنایش انحصار استناد در اینها نیست. بله به اینها استناد دادند در عین حال آن را از طبقه قبلی نیز تلقی و اخذ کردند.

لذا ممکن است با این توجیه بگوییم اجماع مدرکی بنا بر مبنای تلقی نیز حجت است.

#### ۸. بر مبنای اجماع تقریری

در اجماع تقریری فتوایی که فقها بر آن اتفاق نظر دارند از طبقه قبلی خود اخذ کرده اند تا رسیده به زمان معصوم لذا ما گفتیم این مبنا شبیه مبنای محقق بروجردی است، ماهیتا یکی هستند، ولی تفاوت هم بین اینها وجود دارد. اگر ما قائل به اجماع تقریری شدیم و گفتیم امام آن را تقریر کرده است و مدرکی هم باشد، آیا مدرکی بودن اجماع لطمه ای به حجیت آن می زند یا خیر؟ در اینجا فرض این است، اتفاق فقها و اتصال آن تا زمان معصوم و تقریر معصوم بالاخره نشان دهنده رضایت معصوم است اما حالا این مجممین یک ادله و مستندات و مدارکی هم برای اجماع خودشان ذکر کرده اند. آیا اینجا وجود این مدارک معلوم به حجیت اجماع لطمه می زند یا نمی زند؟

ما در مورد اجماع تقریری از قول آقای زنجانی گفتیم یک شروطی وجود دارد، ایشان گفتند اجماع تقریری مشروط به شروطی است، اتصال به زمان معصوم و تقریر معصوم و اینکه در روایات قرینه ای که حکایت از تقیه و عدم اتفاق میان اصحاب کند، وجود نداشته باشد و در عین حال آن مسئله از مسائل مبتلا به باشد که ما بتوانیم تقریر معصوم را به دست بیاوریم زیرا اگر مسئله مبتلا به نباشد تقریر معصوم را نمی توان استفاده کرد، یعنی تقیه نباشد، غیر عام البلوی نباشد و در عین حال اتصال هم وجود داشته باشد. با توجه به این شرایط بنا بر اجماع تقریری آیا مدرکی بودن اجماع به حجیت آن لطمه می زند یا خیر؟

اگر اجماع مدرکی باشد همه این شرایط هم موجود باشد مشکلی در حجیت آن نیست، یعنی با وجود این شرایط یعنی اتصال به زمان معصوم، عام البلوی بودن و عدم تقیه، قهرا وجود یک مدرک معلوم لطمه ای به حجیت این اجماع نمی زند. اما اگر یکی از این شرایط نباشد مثلا مسئله عام البلوی نباشد، اجماع تقریری شکل نمی گیرد، نه اینکه محقق می شود و حجت نیست. خود ایشان معتقد است که مدرکی بودن اجماع هیچ لطمه ای به حجیت اجماع تقریری نمی زند. البته اینجا نسبت به خود اجماع تقریری می توان اشکال کرد.

سوال:

استاد: خود ایشان که محکم می گوید... ایشان اصلا معتقد است که اجماع تقریری حجت است با همان قیود... چنین چیزی نیست، ایشان می گوید دلیل معتبر معلوم هیچ لطمه ای به اجماع نمی زند. یک طبقه ای از فقها اتفاق کردند... این نیست. یعنی مثلا بیست تا از فقهای هم عصر شیخ طوسی اجماع دارند و اتفاق آنها نیز از طبقه قبل گرفته شده و برای ما نیز محرز است که اصحاب ائمه نیز نظرشان این بوده، و اینها در مرئی و منظر معصوم این کار را کردند و این رضایت نیز وجود داشته و امام نیز آن را تقریر کرده است... لکن مجممین به دلیل هم استناد کردند، یعنی هم از طبقه قبلی اخذ کردند و هم دو سه دلیل آوردند ...

اشکال را به نحو دیگری می توان بیان کرد. اگر یک مسئله عام البلوی باشد و اتصالش هم احراز شده، در این صورت دیگر وجود و یا عدم وجود مدرک تأثیری ندارد، اگر عام البلوی نباشد و اتصال احراز نشود، باز وجود و عدم وجود مدرک چه کمکی می کند. یعنی کانه وجود و عدم وجود مدرک تأثیری در این اجماع ندارد. بله این اشکال را شما ممکن است مطرح کنید اما اینکه بگویید وجود دلیل اساسا با تقریر نمی سازد، نه، تقریر بوده یعنی این طبقه از طبقه قبلی و آنها نیز از اصحاب، اما در کنار آن، این طبقه چند دلیل دیگر نیز بیان کردند این چه اشکالی دارد؟

ما امروز تقریبا بحث های راجع به اجماع را تمام کردیم و تنها یک بحث مختصری در مورد تعارض اجماع باقی مانده است که آن هم بحث مهمی نیست انشاء الله در سال تحصیلی جدید بحث شهرت فتوایی و بحث حجیت خبر واحد را مطرح خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمين»